

توسعه طبیعت‌گردی و دیدگاه زنان روستایی (نمونه موردی: روستاهای بخش برزک- کاشان)

محسن شاطریان^۱، صدیقه کیانی^۲، یونس غلامی^۳، زهرا منتصریاستان اصفهان، کاشان، دانشگاه کاشان، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، پست الکترونیک: Shaterian@kashanu.ac.irاستان اصفهان، کاشان، دانشگاه کاشان، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، پست الکترونیک: s.kiani@kashanu.ac.irاستان اصفهان، کاشان، دانشگاه کاشان، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، پست الکترونیک: yonesgholami@kashanu.ac.irاستان اصفهان، کاشان، دانشگاه کاشان، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، پست الکترونیک: Z.mont85@yahoo.com

چکیده

بدون شک از جمله مهمترین مؤلفه‌های دستیابی به پیشرفت در جوامع امروزی توسعه‌ی مهارت‌های نیروی انسانی می‌باشد. رسیدن به اهداف توسعه بدون استفاده از نیمی از پیکره‌ی جامعه یعنی زنان، امری غیرممکن خواهد بود و به همین دلیل زنان روستایی توانمند نقش مؤثری در توسعه‌ی روستایی خواهند داشت. گردشگری و طبیعت‌گردی رویکرد جدیدی در توسعه روستایی است به همین جهت در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است دیدگاه زنان روستاهای بخش برزک از توابع شهرستان کاشان، درمورد عوامل مؤثر بر توسعه طبیعت‌گردی مورد مطالعه قرار گرفته است و از آزمون‌های تحلیل عاملی و فریدمن و نرم افزار *SPSS* جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد متغیرها را می‌توان در ۵ دسته مشارکت مردم بومی و گردشگران، بهبود امکانات و خدمات دولتی، تبلیغات و ضوابط قانونی، سهم کردن گردشگران و جاذبه‌های طبیعی تقسیم‌بندی کرد. همچنین رتبه-بندی عوامل به روش فریدمن نشان داد که جاذبه‌های طبیعی، آب و هوای مطلوب و وجود گیاهان دارویی سه عامل نخست از دیدگاه زنان جهت توسعه طبیعت‌گردی منطقه هستند. با توجه به این نتایج می‌توان بیان کرد که روستاهای منطقه دارای پتانسیل بالایی جهت توسعه طبیعت‌گردی، که خود عاملی در توسعه پایدار روستایی است، می‌باشند و بهبود امکانات رفاهی و ایجاد درآمد برای ساکنان بومی می‌تواند این فرایند را تسریع بخشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، تحلیل عاملی، زنان روستاهای بخش برزک، طبیعت‌گردی.

۱- دانشیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان.

۲- استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان.

۳- استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان.

۴- نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اکوتوریسم، دانشگاه کاشان، شماره تماس: ۰۹۱۷۱۸۷۰۴۲۰

۱- مقدمه

امروزه در امر توسعه و توسعه‌ی پایدار، منابع طبیعی و سرمایه‌های فیزیکی چندان مهم نمی‌باشند و نظریه‌های نوین توسعه متکی بر انسان‌هاست، اما در عین حال به فعالیت در آوردن قابلیت‌های انسانی نیز خود نیازمند سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۶۵). اهمیت نیروی انسانی در توسعه‌ی تحولات چشمگیر دو دهه‌ی اخیر در جهان باعث شده که کاهش نابرابری‌های جنسیتی، بخش جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه گردد. از اینرو مشارکت عمومی و فراگیر یک جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه‌ی فعالیت‌ها و امور مربوط به توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای بسیار ضروری است (ایمنی‌قشلاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۸). در این راستا زنان نیز به عنوان بخشی از جامعه انسانی به واسطه امکاناتی که برای توسعه فراهم می‌آورند و خدماتی که به جامعه ارائه می‌دهند از عوامل مؤثر در توسعه جامعه محسوب می‌گردند (غفاری و ترکی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). منابع انسانی توسعه یافته عامل کلیدی و پیش‌شرطی برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی است (کرد و آبتین، ۱۳۹۲: ۴).

از دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه جانبه‌ی زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). با این‌حال فعالیت‌های موجود در برنامه‌های توسعه هنوز هم نتوانسته توان موجود و بالقوه‌ی زنان را در فرایند توسعه شناسایی کند و تأثیر این برنامه‌ها را بر روی بهبود جایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان مشخص سازد. در برنامه‌های توسعه روستا، مردان به عنوان تولیدکنندگان کشاورزی شناخته شده‌اند و در مورد نقش زنان در اقتصاد روستا اطلاعات کافی وجود نداشته است. توجه به وضعیت زنان روستایی، تلاش برای شناسایی هر چه دقیق‌تر و ارزش‌گذاری فعالیت‌های آنان و رفع مسائل و موانع بر سر راه گسترش فعالیت زنان روستایی از جمله الزامات در مسیر توسعه روستایی به شمار می‌آید. منطبق توجیه کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی برای دستیابی به توسعه است (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۸: ۳).

مشارکت به معنای دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگی‌شان و محیط زیست خودشان است. مشارکت روستائیان در توسعه روستایی، به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی مطرح است. نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد و مشارکت تمام اقشار روستایی، اعم از زن و مرد و جوان و بزرگسال را پیش‌نیاز دستیابی به اهداف توسعه می‌داند (خسروی-پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۵۸). بررسی موقعیت اقتصادی جوامعی که تعادل مطلوب و قابل قبول برای مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی آن‌ها فراهم نشده و فرصت منصفانه‌ی بروز خلاقیت و استعداد انسان‌ها در آنان برقرار نشده است، نشان می‌دهد فرایند توسعه موفق و پایدار نبوده، بلکه توسعه پایدار و جامع زمانی به منصه ظهور می‌رسد که زنان به عنوان نیمی از جمعیت موردتوجه قرار گیرند. به عبارتی زنان، یاری‌گران فعال و خستگی‌ناپذیر اقتصاد داخلی هر کشور به‌خصوص در حوزه‌های روستایی‌اند. آنان فعالیت می‌کنند و می‌سازند، توانمندی‌های حرفه‌ای خود را به کار می‌گیرند و در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی زندگی نیز بسیار اثربخش‌اند، این در حالی است که علی‌رغم این ارزش‌ها

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

اغلب مشارکت آنان را به دیده حقارت نگریده و ناچیز می‌شمارند (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۶۵). اینحال امروزه در اهداف توسعه روستایی گروه‌های خاص روستایی، از جمله زنان و جوانان به دلیل ویژگی‌های خاص خود، در مرکز توجه قرار گرفته‌اند (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

۲- زن و توسعه روستا

مفهوم توسعه به‌طور عام و توسعه انسانی به‌طور خاص، بر ارتقاء سطح زندگی و افزایش حق انتخاب برای مردم متمرکز است و این کار بایستی از طریق بهبود رفح نیازهای فردی، بهداشت، آموزش و دانش و همچنین استفاده بهینه از منابع موجود انجام گیرد در نتیجه فرد از سهم بیشتر و منصفانه‌تری از تولید ناخالص داخلی بهره‌مند می‌شود (غفاری و ترکی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). اعلام سال ۱۹۷۵ میلادی به‌عنوان سال جهانی زن و متعاقب آن اعلام دهه زن توسط سازمان ملل متحد، برگزاری کنفرانس بین‌المللی (اصلاحات ارضی و توسعه روستایی) در سال ۱۹۸۴ با تأکید بر نقش زنان در برنامه‌های توسعه‌ی بخش کشاورزی، تشکیل کنگره جهانی نایروبی با موضوع استراتژی آینده برای پیشرفت زنان در سال ۱۹۸۵ و غیره باعث شد تا توجه جهانیان بیش از پیش به نقش ایشان در فرایند توسعه جلب گردد (غفاری و ترکی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). مشارکت زنان همراه مردان در تمامی مسائل نشان‌پذیرش برابری ارزش انسانی همه‌آحاد جامعه می‌باشد که با همدیگر در امور مختلف همکاری نموده و از طریق آن دست به تحول می‌زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می‌آورند که برای آینده کل جامعه می‌تواند مفید و مؤثر افتد. از این رو برنامه‌ریزان توسعه در سال‌های اخیر به نقش زنان در توسعه و به خصوص توسعه‌ی پایدار روستایی توجهی فراوان مبذول داشته‌اند. توسعه در کشورهای جهان سوم وابسته به توسعه بخش کشاورزی و توسعه این بخش به توسعه روستایی وابسته خواهد بود. بنابراین توسعه پایدار روستایی می‌تواند اساس و پایه‌ای برای توسعه پایدار کشاورزی نیز باشد (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۵۶ و ۵۷). از این رو مشارکت زنان را می‌توان به عنوان عامل اصلی در موفقیت برنامه‌ها به شمار آورد و از این لحاظ زنان می‌باید در شکل دادن به برنامه‌ها دخالت نمایند و احساس کنند که برنامه‌ها متعلق به آنان است (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۶۴). مشارکت زنان همراه با مردان سبب می‌شود تا روحیه خودباوری، اعتمادبه‌نفس و مسئولیت‌پذیری در آنان تقویت شده و هنگام رویارویی با مشکلات، گامی در جهت رفع این مشکلات و معضلات بردارند و همواره به خود متکی باشند (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۶۵). به‌طور کلی سهم زنان روستایی در نیروی کار کشورهای جهان سوم به دلیل سنتی بودن ساختار تولید و روابط کار، بیشتر از مردان و همچنین بیشتر از زنان و مردان کشورهای توسعه یافته است. با اینکه زنان روستایی علاوه بر امور خانه‌داری، همسررداری و تربیت فرزندان در فعالیت‌های کشاورزی نیز سهیم‌اند، اما از این بابت پایگاه اقتصادی- اجتماعی مناسبی مطابق با تلاش و فعالیت‌شان به دست نمی‌آورند و نتیجه آنکه تصویر زن روستایی در کشور ما تصویری پرتلاش، قانع، صبور و پایدار است (سروش‌مهر و همکاران، ۱۳۸۸: ۴). زنان علاوه بر تأثیرات مستقیمی که بر شاخص‌های توسعه دارند، مجموعه متنوعی از تأثیرات غیرمستقیم را نیز بر افزایش یا کاهش عددی شاخص‌ها و در نتیجه دستیابی یا عدم دستیابی به اهداف توسعه دارا می‌باشند. به‌عنوان مثال زنان به‌عنوان آموزگاران خانگی، مجموعه‌ای از آموزش‌های غیررسمی را به فرزندان خویش می‌آموزند، این آموزش‌ها به سرعت در روند توسعه مفهوم پیدا نموده و تأثیرگذار می‌گردند. زنان همچنین از طریق تأثیرگذاری بر

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

فرهنگ خانواده و در نتیجه فرهنگ مردان (پدر، برادر، شوهر و...) بر روند توسعه تأثیر می‌گذارند، از این رو در برنامه‌های توسعه باید به جایگاه و نقش زنان توجه لازم و کافی شود. زن روستایی وظایف و نقش‌های مختلف و متعددی به عهده دارد؛ همسر، مادر، تولید کننده محصولات زراعی و باغی، شرکت در فعالیت‌های دامداری، کاشت، داشت، برداشت، فن‌آوری، بازاریابی، تهیه خوراک و غذا و... جدای از فعالیت در زمینه کشاورزی، مشارکت زنان در توسعه روستایی امری بس حیاتی و بااهمیت، محسوب می‌شود (غفاری و ترکی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

در گذشته‌های نه‌چندان دور زنان روستایی دوشادوش مردان در بسیاری از کارها فعالیت می‌کردند. اما به دلیل تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سال‌های اخیر از نقش زنان در فعالیت‌های روستایی تا حدود زیادی کاسته شده است. این امر مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی متعددی را متوجه روستاها کرده است. گردشگری یکی از فعالیت‌هایی است که به دلیل تنوع در مشاغل، زمینه‌ی اشتغال و کارآفرینی بسیار زیادی برای زنان دارد و آن‌ها به راحتی می‌توانند در کنار فعالیت‌های روزمره و خانگی خود به این کار پردازند (ایمنی قشلاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷). در گذشته زنان روستایی به کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن می‌پرداختند. اما امروزه بر اثر پیشرفت صنعت و تکنولوژی، حتی در روستاهای کشورهای در حال توسعه نیز مشاغل غیر کشاورزی توسعه یافته است. بنابراین نه تنها در برنامه‌ریزی‌ها توجه به عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان در مشاغل خاص روستایی لازم است، بلکه به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران، لزوم برنامه‌ریزی صحیح برای اشتغال زنان در بخش غیر کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا گردشگری روستایی می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل گوناگونی را برای زنان بوجود آورد (ایمنی قشلاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۹). گردشگری یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی جهان است که فرصت‌های شغلی و پایداری اقتصادی در بسیاری از کشورها ایجاد کرده است. گردشگری فرصت‌های زیادی برای ایجاد درآمد و استقلال اقتصادی زنان فراهم می‌کند و به بهبود اقتصادی و اجتماعی زنان کمک می‌کند. زنان به طور معمول مشاغل گردشگری را در کنار وظایف سنتی خانگی خود (به عنوان مثال: ارائه اتاق و محل اقامت، مرتب و تمیز کردن محل اقامت گردشگران و تولید صنایع دستی) انجام می‌دهند. گردشگری می‌تواند یکی از بخش‌های مهم اقتصاد روستایی باشد و توسعه گردشگری در مناطق روستایی به عنوان راهی برای توزیع درآمدها و کاهش فقر به حساب می‌آید (ایمنی قشلاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۴). با توجه به این موارد در این پژوهش به بررسی دیدگاه زنان ساکن (به عنوان نیمی از نیروی انسانی) در روستاهای بخش برزک از توابع شهرستان کاشان در استان اصفهان در مورد عوامل مؤثر بر توسعه اکوتوریسم (طبیعت‌گردی) به عنوان یکی از راه‌های توسعه پایدار روستایی، پرداخته شده است. موقعیت جغرافیایی خاص و آب و هوای مطلوب این منطقه موجب شده است که این بخش به عنوان یک مقصد جدید طبیعت‌گردی در شهرستان و حتی استان مطرح شود. در کنار دو شهر نیاسر و قمصر که امروزه در سطح کشور شناخته شده هستند و گردشگران خاص خود را دارند معرفی و شناسایی پتانسیل‌های طبیعت‌گردی روستاهای بخش برزک ضمن اینکه می‌تواند از نظر اقتصادی برای مردم بومی منافی داشته باشد و به توسعه پایدار این روستاها کمک نماید، می‌تواند به عنوان

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

یک مقصد جدید گردشگری نیز مطرح شود و از فشار وارده بر جاذبه‌های طبیعی دو شهر ذکر شده (نیاسر و قمصر) بخصوص در اوج فصل طبیعت‌گردی در شهرستان کاشان بکاهد. بنابراین مطالعه و شناسایی عواملی که می‌توانند بر توسعه این بخش از صنعت گردشگری تأثیرگذار باشند اهمیت می‌یابد.

۴- مبانی نظری

۴-۱ روستا:

روستا عبارت است از فضایی اجتماعی که در آن با توجه به تراکم نسبی ناچیز جمعیت، نوع خاصی از فعالیت‌های اقتصادی- عمدتاً فعالیت‌های کشاورزی- غلبه دارد. در این نوع اجتماع، فعالیت‌های بخش صنعت و بخصوص بخش خدمات و بازرگانی محدود است. روابط اجتماعی- اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی معمولاً در عرصه‌هایی محدود و مشخص جریان دارد و ساکنان روستایی هویت اجتماعی مشترکی دارند که با نام روستا مشخص می‌گردد. این مجموعه مکانی- فضایی مبتنی بر روابط اجتماعی- اقتصادی خاص و بستگی‌ها و پیوندهای ویژه محیطی- اکولوژیک، اجتماع معینی را به وجود می‌آورد که می‌توان آن را فضای روستایی خواند (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۸). روستا یک واحد جغرافیایی است که در آن پدیده‌های اجتماعی و طبیعی به طور چشمگیری درهم آمیخته‌اند. این درهم آمیختگی از ویژگی‌های مهم روستا و شاخص عمده‌ای برای تمیز شهر از روستا است (مهدوی، ۱۳۸۱: ۴). روستا در حقیقت آبادی کوچکی است که در خارج شهر قرار گرفته و چند خانوار در آن سکونت دارند. روستا کوچک‌ترین عضو تقسیمات اداری کشور به شمار می‌رود که اغلب بدون شهرداری بوده و سازمان سیاسی و اداری مستقر در آن "دهداری" است. مرکز آمار ایران "آبادی" را چند مکان و اراضی به هم پیوسته می‌داند (اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی) که در خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتي و یا عرفی مستقل باشد (صالحی‌فرد، ۱۳۹۰: ۷).

۴-۲ توسعه روستایی

یکی از دغدغه‌های مهم به ویژه در کشورهای در حال توسعه، رسیدن به سطح قابل قبولی از توسعه در ابعاد مختلف است. توسعه روستایی یکی از پایه‌های اولیه و مهم توسعه ملی هر کشور محسوب می‌شود (صفری و بیات، ۱۳۹۱: ۳۲). توسعه روستایی شامل طیف وسیعی از تحولات عمیق در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در نواحی روستایی است و به دنبال توزیع منصفانه درآمد، افزایش استانداردهای زندگی و ایجاد فرصت‌های شغلی در این نواحی است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵). بانک جهانی توسعه روستایی را چنین تعریف می‌کند: توسعه روستایی استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستاییان فقیر هستند طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند (غفاری و ترکی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). بطور کلی نقش و جایگاه روستاها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقرگسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه نشینی شهری و غیره موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است (صفری و بیات، ۱۳۹۱: ۳۳). در بسیاری از کشورها توسعه روستایی به مثابه‌ی

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

راهبردی با اهمیت برای تأمین نیازهای اساسی و توزیع بهینه‌ی منافع ناشی از توسعه‌ی ملی تلقی می‌شود و بدین منظور نیز با شیوه‌های متعدد، الگوهای متنوعی برای توسعه‌ی روستایی تجربه شده است که عمدتاً دستاوردهای مطلوبی ندارد و هنوز نیز سهم جوامع روستایی جهان سوم از توسعه و پیشرفت، بسیار اندک است و اکثر فقرای این کشورها یا در روستاها به سر می‌برند و یا شهرنشینی عمدتاً حاشیه‌نشین با منشأ روستایی بوده‌اند (حجازی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱). علیرغم آزمون راهبردهای مختلف جهت نیل به توسعه روستایی، امروزه همچنان فضاهای روستایی متضمن مشکلات و معضلات فراوان بوده و خصوصیت بارز خود را در میان مواردی چون توسعه نیافتگی، ناپایداری و یا دفع جمعیت جستجو می‌کنند. محیط‌زیست روستا نیز از جمله اجزاء اصلی چشم‌انداز روستایی می‌باشد که همچون دیگر جنبه‌های این سیستم در سال‌های اخیر عمدتاً روندی روبه زوال را می‌پیماید. از طرفی با قبول این اصل که لازمه تداوم توسعه و ایجاد جامعه روستایی سالم در گروه حفظ محیط‌زیست آن است و اینکه از جمله ارکان اصلی توسعه پایدار به طور اعم و توسعه روستایی به طور اخص، توجه به ابعاد زیست‌محیطی روستا می‌باشد، بیش از هر زمان دیگری ضرورت ارائه راهبردهای مؤثر جهت اصلاح این امر ضروری می‌نماید و در این راستا مدتی است از توریسم به عنوان گزینه‌ای مناسب نام برده می‌شود (صالحی‌فرد، ۱۳۹۰: ۴۱). تقویت گردشگری می‌تواند با ایجاد اشتغال و درآمد، استفاده از منابع محل، متنوع‌سازی اقتصادی و مشارکت اجتماعی در رفع مشکلات فراروی روستاها تأثیر به‌سزایی داشته باشد و یکی از فرصت‌های شکل‌گیری توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی روستایی را مهیا و به‌کند شدن روند تخلیه‌ی سکونتگاه‌های روستایی و جریان مهاجرت جمعیت روستایی کمک کند (حجازی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱).

۳-۴ گردشگری روستایی:

از اواسط قرن نوزدهم، علاقه‌ی زیادی به محیط روستا در بین گردشگران ایجاد شد. این علاقه به دلایل زیادی از جمله وسایل نقلیه‌ی پیشرفته، افزایش حضور صنایع متعدد در شهرها، آلودگی هوا، شلوغی و ازدحام محیط شهری سبب شد که شهرنشینیان برای فرار از فشار زندگی شهری و گذران اوقات فراغت به روستاها روی بیاورند (قدیری‌معصوم و همکاران، ۱۳۸۹: ۸). توسعه گردشگری روستایی به عنوان یک بخش ارزشمند و رشدیابنده در زمینه رهیافت اقتصادی مطرح است و گردشگری می‌تواند به عنوان ابزاری برای توسعه مناطق روستایی (با جاذبه‌های خاص گردشگری) باشد، چرا که این مقوله می‌تواند به عنوان یک منبع مالی جدید، وضعیت اقتصادی مردم محلی را بهبود و به عنوان منبعی در خصوص زدودن فقر باشد (کرمی‌دهکردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). پتانسیل‌های گردشگری روستاها بیش از هر چیز به سرمایه‌های جغرافیایی، کیفیت آثار تاریخی و نیز شادابی فرهنگ محلی آن‌ها بستگی دارد. لذا عمق بخشیدن و ارزش نهادن به این عوامل همچنین تبدیل آن‌ها به عناصر قابل عرضه، ترویج سیاست حفظ و مراقبت از سنت‌ها، آداب و رسوم، چشم‌اندازها و محیط‌زیست، جذابیت منطقه و پتانسیل‌های آن را تضمین نموده و این عناصر و عوامل را به صورت یک محصول واقعی گردشگری درمی‌آورد (میرزا کاظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷). گردشگری روستایی که آن را یک رهیافت جایگزین برای نیل به توسعه پایدار روستایی می‌دانند، با توجه به روند روزافزون تخریب روستاها و افول کشاورزی سعی در ارائه‌ی راهبردهای جدید برای احیای نواحی روستایی از طریق ایجاد فعالیت‌های

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

مکمل یا متحول کردن این نواحی با توجه به منابع طبیعی و انسانی آنها دارد (غنیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۴). گردشگری روستایی عبارت است از کلیه فعالیت‌های گردشگری که در محیط روستا صورت می‌گیرد و تمام این فعالیت‌ها بر طبیعت، فرهنگ و بافت سنتی روستا و صنایع روستایی به ویژه صنایع دستی روستاها مبتنی است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۹: ۴). روستاها و ساکنین آن از دو جهت با صنعت گردشگری در رابطه هستند، یکی اینکه محیط‌های روستایی به عنوان فضاها و اماکن بیلابالی و استراحتگاهی برای گذران اوقات فراغت گردشگرها و به ویژه گردشگران داخلی به شمار می‌آیند و دیگر اینکه تولیدات آنها اعم از مواد خوراکی و صنایع دستی روستایی به گردشگرها عرضه می‌گردد و از این طریق به اقتصاد معیشتی آنان کمک می‌کند (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). زنان نقشی کلیدی و مهم در توسعه‌ی صنعت گردشگری ایفا می‌کنند و حتی برخی از بزرگترین هتل‌های جهان با مدیریت زنان اداره می‌شود. نمونه‌ی بارز این اثرگذاری در کشور ما، در شهرهای شمالی مشهود است. نقش زنان در توسعه‌ی اقتصادی صنعت توریسم قابل توجه است. علاوه بر این در اکثر نواحی روستایی کشور، زنان به کارهای دستی چون گلیم‌بافی، حصیربافی، سوزن‌دوزی یا صنایع دستی بومی هر منطقه می‌پردازد که فروش آنها درآمدی قابل توجه برای جامعه‌ی میزبان به ارمغان می‌آورد (غنیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵).

۵- پیشینه تحقیق

کرد و آبتین (۱۳۹۲) عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان را با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته‌ای که توسط دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های استان تکمیل شده و با آزمون آماری رگرسیون چندگانه و نرم‌افزار *SPSS* و *Lisler* تحلیل شده‌اند بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای توانمندسازی زنان و دختران روستایی استان و توسعه‌ی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با توسعه‌ی کارآفرینی روستایی ارتباط معنی‌داری ندارند ولی متغیر ایجاد مراکز رشد روستایی با توسعه کارآفرینی روستایی رابطه معنی‌داری دارد. ایمنی قشلاق و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی نقش گردشگری در توسعه کارآفرینی زنان روستایی در روستاهای کندوان و اسکندان پرداخته‌اند و با استفاده از پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آماری (آزمون و من ویتنی) به این نتیجه رسیده‌اند که رونق گردشگری در نواحی روستایی فرصت‌های زیادی برای فعالیت زنان ایجاد کرده و محیط روستا را به یک محیط محرک و انگیزشی برای کارآفرینی تبدیل کرده است. همچنین تفاوت معناداری بین ویژگی‌های کارآفرینانه زنان در دو روستا وجود دارد و مقدار میانگین شاخص‌های فردی کارآفرینی در بین زنان روستای کندوان نسبت به زنان روستای اسکندان در سطح بالاتری است. غفاری و ترکی (۱۳۹۰) عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی روستاهای بخش فارس در استان چهارمحال و بختیاری را بررسی کرده‌اند. آنها با تکمیل ۳۷۰ پرسشنامه در روستاهای مورد مطالعه به این نتیجه رسیده‌اند که عامل افزایش سطح سواد بر مشارکت زنان مؤثر است. همچنین بین سطح درونگرا بودن روستاییان و کاهش مشارکت رابطه معناداری وجود دارد ولی بین وضعیت تأهل و مشارکت زنان در امر توسعه رابطه معناداری مشاهده نشده است. غنیان و همکاران (۱۳۸۹) تحلیل ابعاد گردشگری روستایی با رویکرد جنسیتی از دیدگاه روستاییان منطقه اورامان استان کردستان را انجام داده‌اند. از دو روش کمی و کیفی و استفاده از پرسشنامه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جهت جمع‌آوری و تکمیل داده‌ها

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

استفاده نموده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین دیدگاه زنان و مردان در خصوص دلایل موافقت با حضور گردشگر، انگیزه مشارکت و تغییر نقش اجتماعی زنان در اثر توسعه فعالیت‌های گردشگری تفاوت وجود دارد. سروش-مهر و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان در روستاهای شهرستان همدان پرداختند. تجزیه و تحلیل آماری و استفاده از مدل لجیت روش پژوهش آن‌ها بوده است که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد ۳۶/۳ درصد از زنان در پایگاه پایین، ۵۵/۹ درصد در پایگاه متوسط و ۷/۸ درصد در سطح بالایی از پایگاه اقتصادی-اجتماعی قرار دارند. همچنین افزایش متغیر مشارکت اقتصادی و کاهش متغیر خشونت خانگی بیشترین اثر را بر بهبود این پایگاه خواهند داشت.

در این پژوهش با استفاده از مطالعات میدانی و تکمیل پرسشنامه دیدگاه زنان روستایی محدوده مورد مطالعه در خصوص توسعه طبیعت‌گردی بررسی شده و با استفاده از آزمون تحلیل عاملی و فریدمن نتایج آن تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۶- روش پژوهش

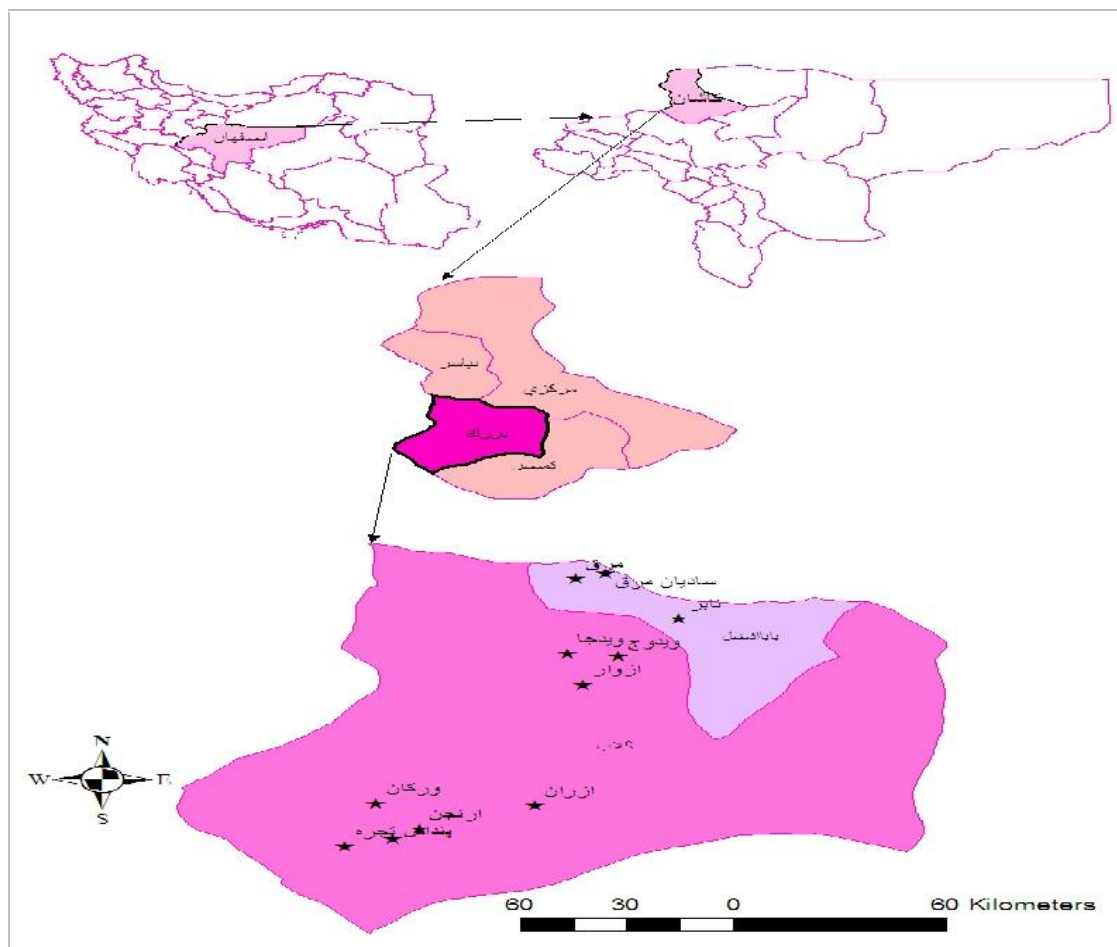
رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی بوده و در بخش ادبیات تحقیق، برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌های اصلی پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که توسط ساکنان روستاهای محدوده مورد مطالعه تکمیل شده است. جامعه آماری پژوهش افراد بالای ۱۵ سال روستاهای بخش برزک هستند که مجموع جمعیت آنان بر اساس داده‌های خانه‌های بهداشت روستایی (آمار سال ۱۳۹۲) ۴۵۷۵ نفر بوده است و نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۵۴ نفر بدست آمده است که پس از تکمیل پرسشنامه‌ها مشخص شد ۱۲۴ نفر از پاسخ‌دهندگان زنان بوده‌اند که در این پژوهش تنها به بررسی دیدگاه آنان در مورد عوامل مؤثر بر توسعه طبیعت‌گردی پرداخته شده است. روش تکمیل پرسشنامه‌ها تصادفی ساده است. تعداد ۲۸ معیار به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه طبیعت‌گردی روستاها با مطالعه پیشینه تحقیق و بررسی‌های میدانی و نظرسنجی از اساتید تهیه شد و در قالب پرسشنامه‌ای با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت در اختیار نمونه آماری قرار گرفت. روایی این پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید و کارشناسان آشنا به منطقه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با تکمیل تعداد ۳۰ پرسشنامه اولیه و انجام آزمون آلفای کرونباخ و بدست آمدن مقدار ۰/۹۰ تأیید شد. جهت تحلیل داده‌های بدست آمده از تحلیل عاملی و آزمون فریدمن در نرم افزار SPSS استفاده شده است.

۷- محدوده پژوهش

استان اصفهان یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور در عرصه‌ی فعالیت‌های صنعت گردشگری است و نقش منحصر بفردی در سیستم اقتصاد گردشگری ایران دارد. شهرستان کاشان در شمال استان اصفهان و از نظر تقسیمات سیاسی، دارای ۴ بخش به نام‌های بخش مرکزی، نیاسر، برزک و قمصر است (برنامه راهبردی-ساختاری- عملیاتی توسعه گردشگری شهرستان کاشان، ۱۳۹۰: ۲). بخش برزک از نظر موقعیت جغرافیایی در طول ۵۱ درجه و ۱۳ دقیقه شرقی و عرض ۳۳ درجه و ۴۷ دقیقه شمالی قرار گرفته است (طرح جامع گردشگری برزک، ۱۳۸۸: ۴) و دارای یک شهر به نام برزک، دو دهستان به نام‌های بابا افضل و گلاب می‌باشد.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

بخش برزک و روستاهای تابع آن دارای جاذبه‌های طبیعی زیبا و خاصی هستند که می‌توانند به عنوان یکی از قطب‌های طبیعت‌گردی استان اصفهان معرفی شوند. وجود مزارع گل محمدی در تمام این روستاها، انواع درختان باغی، غارها و رودخانه‌ها، قلعه‌های تاریخی، کارگاه‌های سنتی گلابگیری و عرقگیری، امامزاده‌ها و مقبره‌های متبرک و... از جمله جاذبه‌های گردشگری منطقه هستند. موقعیت منطقه در شکل شماره ۱ نشان داده شده است و در جدول شماره ۱ مشخصات این روستاها آمده است.



شکل شماره (۱): موقعیت منطقه مورد مطالعه

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

جدول شماره ۱- مشخصات روستاهای بخش بزرک

نام روستا	دهستان	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	فاصله از کاشان (km)	ارتفاع از سطح دریا (m)	جاذبه طبیعی	جاذبه تاریخی- فرهنگی	جاذبه مذهبی	گیاهان دارویی
آزران	گلاب	۵۱°۰۸'	۳۳°۴۲'	۷۰	۲۳۹۰	✓	✓	-	✓
آرنجن	گلاب	۵۱°۰۴'	۳۳°۴۱'	۸۲	۲۲۳۰	✓	-	✓	✓
ازوار	گلاب	۵۱°۰۹'	۳۳°۴۹'	۵۹	۱۹۶۰	✓	✓	✓	✓
پنداس	گلاب	۵۱°۰۲'	۳۱°۳۳'	۸۵	۲۲۱۰	✓	✓	-	✓
تجره	گلاب	۵۱°۰۲'	۳۳°۴۱'	۸۴	۲۱۸۰	✓	✓	✓	✓
سادیان	باباافضل	۵۱°۰۹'	۳۳°۵۴'	۳۰	۱۷۹۵	✓	✓	-	✓
مرق	باباافضل	۵۱°۱۰'	۳۳°۵۲'	۳۱	۱۸۵۰	✓	✓	✓	✓
نابر	باباافضل	۵۱°۱۲'	۳۳°۵۲'	۳۵	۱۶۱۰	✓	-	-	✓
ورکان	گلاب	۵۱°۰۳'	۳۳°۴۳'	۷۵	۲۱۶۰	✓	✓	✓	✓
ویدوج	گلاب	۵۱°۱۰'	۳۳°۵۰'	۵۷	۱۹۶۰	✓	✓	-	✓
ویدوجا	گلاب	۵۱°۰۸'	۳۳°۵۰'	۵۶/۵	۱۹۶۰	✓	✓	✓	✓

✓ = وجود جاذبه - = عدم وجود جاذبه [منبع: بخش‌داری بزرک]

۸- بحث و یافته‌ها

خلاصه‌ای از آمار توصیفی مربوط به پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه در جدول شماره ۲ آمده است. همانگونه که مشخص است رده سنی ۳۵-۲۰ سال با ۵۴ درصد بیشترین درصد رده سنی را به خود اختصاص داده است و تحصیلات زیردیپلم با ۴۰/۳ درصد و شغل آزاد با ۳۳/۹ درصد و درآمد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان با ۲۹/۸ درصد بیشترین فراوانی را در دسته‌های خود دارند. همچنین ۷۰/۲ درصد پاسخ‌دهندگان متأهل بودند. پرسشنامه‌ای که در اختیار نمونه آماری قرار گرفت دارای ۲۸ متغیر به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه طبیعت‌گردی بوده است که از آن‌ها خواسته شده بود نظر خود را در مورد میزان تأثیرگذاری هر یک در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت مشخص نمایند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل عاملی انجام شده است. تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی از روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌هاست. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های عمومی محدودی دسته‌بندی کرده و تبیین می‌کند (کلاتری، ۱۳۸۵: ۲۸۲). نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این ۲۸ متغیر را می‌توان در قالب ۵ عامل که ۶۰/۱۴ درصد تغییرات را هم به خود اختصاص می‌دهند، تقسیم‌بندی نمود. درصد واریانس هر یک از این ۵ عامل و مجموع واریانس آن‌ها بعد از چرخش را در جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنید:

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

جدول شماره ۲- آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

عنوان	رده‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	عنوان	رده‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۱۵-۲۰	۳۵	۲۸/۲	شغل	بیکار(خانه دار)	۳۶	۲۹/۰
	۲۰-۳۵	۶۷	۵۴/۰		آزاد	۴۲	۳۳/۹
	۳۵-۵۰	۲۰	۱۶/۱		دولتی	۱۸	۱۴/۵
	>۵۰	۲	۱/۶		محصل یا دانشجو	۲۸	۲۲/۶
تحصیلات	زیردیپلم	۵۰	۴۰/۳	درآمد (هزار تومان)	کمتر از ۲۵۰	۳۷	۲۹/۸
	دیپلم	۴۹	۳۹/۵		۲۵۰-۵۰۰	۱۹	۱۵/۳
	لیسانس	۲۴	۱۹/۴		۵۰۰-۷۵۰	۱۰	۸/۱
	فوق لیسانس و بالاتر	۱	۰/۸		بیشتر از ۷۵۰	۴	۳/۲
تأهل	مجرد	۳۷	۲۹/۸				
	متأهل	۸۷	۷۰/۲				

[منبع: محاسبه نگارندگان]

جدول شماره ۳- عوامل استخراج شده و مقدار درصد واریانس آنها

عوامل	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵
درصد واریانس	۱۵/۰۵	۱۴/۵۲	۱۳/۴۳	۱۱/۱۸	۵/۹۴
مجموع	۶۰/۱۴				

[منبع: محاسبه نگارندگان]

این ۵ عامل، با توجه به متغیرهای زیرمجموعه آن مجدداً نامگذاری شده است که در جدول شماره ۴ متغیرهای بار شده بر هر عامل و مقدار بار عاملی آنها ارائه شده است. این نکته نیز قابل ذکر است که از ۲۸ متغیر اولیه تعداد ۲۳ متغیر در تحلیل عاملی حضور داشتند و ۵ متغیری که بعد از چرخش هیچ بار عاملی ای نداشتند حذف شدند.

عامل مشارکت مردم بومی و گردشگران با ۱۵/۰۵ درصد تغییرات واریانس و داشتن ۷ متغیر بیشترین درصد واریانس را به خود اختصاص داده است. عامل بهبود امکانات و خدمات دولتی با ۱۴/۵۲ درصد تغییرات واریانس و دارا بودن ۷ متغیر در رده دوم است. عامل تبلیغات و ضوابط قانونی ۱۳/۴۳ درصد تغییرات واریانس، عامل سهم کردن گردشگران ۱۱/۱۸ درصد تغییرات واریانس و در نهایت عامل جاذبه‌های طبیعی ۵/۹۴ درصد تغییرات واریانس را دارا هستند.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

جدول شماره ۴- متغیرهای بار شده بر هر عامل و مقدار بارهای عاملی بعد از دوران ماتریس

بار عاملی	متغیر	عوامل
۰/۷۳	رعایت نظافت و پاکیزگی روستاها توسط گردشگران	عامل مشارکت مردم بومی و گردشگران
۰/۷۱	فعالیت مردم بومی در خصوص فروش تولیدات زراعی و باغی خود به گردشگران	
۰/۶۴	احترام گذاشتن به آداب و رسوم و فرهنگ جامعه محلی توسط گردشگران	
۰/۶۱	تربیت و آموزش مردم بومی به عنوان راهنمای تورهای طبیعت گردی	
۰/۵۷	ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمد برای مردم بومی از طریق توسعه طبیعت گردی منطقه	
۰/۵۶	جذب سرمایه‌گذاران محلی جهت توسعه امکانات خدماتی و رفاهی منطقه	
۰/۵۴	مشارکت روستاییان در خصوص ارائه خدمات اقامتی به گردشگران	
۰/۷۵	بهبود زیرساخت‌های منطقه	عامل بهبود امکانات و حمایت دولتی
۰/۶۷	سرمایه‌گذاری بخش دولتی در زمینه طبیعت گردی منطقه	
۰/۶۶	افزایش و بهبود امکانات رفاهی و خدماتی در منطقه	
۰/۵۸	ارائه تسهیلات تشویقی به بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در حوزه طبیعت-گردی منطقه	
۰/۵۷	بهبود وضعیت دسترسی و حمل و نقل منطقه	
۰/۵۲	بهبود امکانات اقامتی در منطقه	
۰/۵۰	وجود جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی منحصر بفرد در منطقه	
۰/۸۱	برگزاری تورهای علمی و آموزشی در منطقه جهت آشنایی افراد با منطقه	عامل تبلیغات و ضوابط قانونی
۰/۶۱	معرفی گیاهان دارویی منطقه و ارزش و خواص آن‌ها به گردشگران	
۰/۵۹	تبلیغات و اطلاع‌رسانی درباره موقعیت منطقه و توانمندی‌های آن در رسانه‌های جمعی به خصوص رسانه‌های استانی	
۰/۵۶	اعمال ضوابط قانونی برای جلوگیری از وارد آمدن صدمات زیست‌محیطی به منطقه توسط گردشگران و سرمایه‌گذاران	عامل سهم کردن گردشگران
۰/۵۳	برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی در منطقه جهت آشنایی افراد با منطقه	
۰/۸۱	فراهم کردن شرایط برای تجربه یک زندگی روستایی کوتاه مدت در کنار خانوار روستایی	
۰/۷۶	سهم کردن گردشگران در انجام فعالیت‌های کشاورزی و روستایی	عامل جاذبه‌های طبیعی
۰/۸۳	برخوررداری از موقعیت آب و هوایی مطلوب	
۰/۶۵	وجود چشم‌اندازها و جاذبه‌های زیبای طبیعی در منطقه	

[منبع: محاسبه نگارندگان]

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

در ادامه جهت رتبه‌بندی متغیرها از نظر اهمیت و اینکه کدام متغیرها از دیدگاه زنان روستایی بیشترین تأثیر را بر توسعه طبیعت‌گردی منطقه دارند از آزمون فریدمن^۱ استفاده شده است. این آزمون برای مقایسه سه یا بیش از سه نمونه وابسته که دارای سطح سنجش رتبه‌ای باشند، استفاده می‌شود (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۹۲). در این آزمون میانگین رتبه یک متغیر گزارش می‌شود که هر چه این مقدار بالاتر باشد نشان دهنده‌ی تأثیر بیشتر آن است (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۹۴). در این پژوهش فرضیه‌ای که با این آزمون بررسی شده عبارت است از: "به نظر می‌رسد بین علل مؤثر بر توسعه طبیعت‌گردی از دیدگاه زنان روستایی تفاوت معناداری وجود دارد." مقدار Sig آزمون ۰/۰۰ است که نشان می‌دهد فرضیه مطرح شده مورد تأیید است. در جدول شماره ۵ میانگین رتبه محاسبه شده برای هر متغیر در این آزمون ارائه شده است.

جدول شماره ۵ - میانگین رتبه متغیرها در آزمون فریدمن

دسته	متغیر	میانگین رتبه	دسته	متغیر	میانگین رتبه
بسیارمهم	چشم‌اندازهای زیبای طبیعی	۱۷/۵۱	مهم	سهیم بودن مردم در درآمدهای طبیعت-گردی	۱۴/۸۶
بسیارمهم	آب و هوای مطلوب	۱۷/۴۷	مهم	برگزاری جشنواره و نمایشگاه	۱۴/۷۸
بسیارمهم	معرفی گیاهان دارویی	۱۷/۲۸	مهم	امکانات اقامتی	۱۴/۵۷
بسیارمهم	ایجاد فرصت‌های شغلی	۱۷/۰۰	مهم	سرمایه‌گذاری دولتی	۱۴/۱۲
مهم	رعایت نظافت و پاکیزگی	۱۶/۶۵	مهم	آموزش جوامع محلی در مورد نحوه برخورد با گردشگران	۱۳/۹۵
مهم	امکانات رفاهی و خدماتی	۱۶/۱۹	مهم	برگزاری تورهای علمی و آموزشی	۱۳/۱۸
مهم	تبلیغات و اطلاع‌رسانی	۱۶/۱۵	مهم	تربیت راهنمای محلی	۱۲/۹۶
مهم	فروش تولیدات زراعی	۱۶/۰۳	مهم	مشارکت روستاییان در زمینه خدمات اقامتی	۱۲/۴۷
مهم	حفظ سنت و فرهنگ بومی	۱۶/۰۰	مهم	بهبود زیرساخت منطقه	۱۲/۳۱
مهم	وضعیت دسترسی و حمل و نقل	۱۵/۸۹	مهم	نظرسنجی از مردم محلی جهت برنامه‌ریزی	۱۲/۲۴
مهم	اعمال ضوابط قانونی	۱۵/۸۲	کم اهمیت	ارائه تسهیلات تشویقی	۱۲/۲۰
مهم	جذب سرمایه‌گذار محلی	۱۵/۵۵	کم اهمیت	آشنایی گردشگران با منطقه قبل از سفر	۱۱/۹۷
مهم	احترام به فرهنگ بومی	۱۵/۳۴	کم اهمیت	تجربه زندگی روستایی کوتاه‌مدت برای گردشگران	۹/۷۳
مهم	جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی	۱۵/۳۳	کم اهمیت	فعالیت گردشگران در کنار روستاییان در محیط روستا	۸/۵۲

[منبع: محاسبه نگارندگان]

¹ Friedman

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

همانگونه که مشاهده می‌گردد از دیدگاه زنان روستایی متغیرهای چشم‌اندازهای زیبای طبیعی، آب و هوای مطلوب منطقه و معرفی گیاهان دارویی منطقه سه اولویت اول جهت توسعه طبیعت‌گردی هستند. با توجه به مقدار میانگین و انحراف معیار رتبه متغیرها (جدول شماره ۶) می‌توان آن‌ها را در سه دسته‌ی: بسیار مهم، مهم و کم‌اهمیت تقسیم‌بندی نمود (جدول شماره ۵). به این ترتیب که پس از محاسبه مقدار میانگین و انحراف معیار، مجموع و تفاضل این دو مقدار را بدست می‌آوریم: $(\mu \pm S.D)$ سپس مقادیر بالاتر از مجموع را در دسته بسیار مهم، مقادیر کمتر از تفاضل را در دسته کم‌اهمیت و مقادیر بین این دو مقدار را در دسته مهم قرار می‌دهیم.

جدول شماره ۶- میانگین و انحراف معیار رتبه‌ها

۱۴/۵۰	میانگین
۲/۲۸	انحراف معیار
۱۶/۷۹	مجموع
۱۲/۲۱	تفاضل

[منبع: محاسبه نگارندگان]

۹- نتیجه‌گیری

در امر توسعه پایدار، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت هر مکان، نقش بسیار حساس و مهمی را در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیطی به عهده دارند. از این رو آنان همواره مدنظر برنامه‌ریزان بوده و از نظر برنامه‌ریزان توسعه، بین زنان و مردان تفاوتی وجود نداشته، بلکه در بسیاری از جهات نقش زنان حساس‌تر و مهم‌تر نیز جلوه می‌کند. لذا مشارکت دادن زنان در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه باعث می‌گردد که آنان اطلاعات و شناختی که در اثر سالیان متمادی در محیط زندگی خود به دست آورده‌اند به‌راحتی و بدون صرف هزینه‌ای در اختیار برنامه‌ریزان توسعه قرار دهند و این امر می‌تواند در نهایت، در راستای توسعه پایدار روستایی بسیار مهم باشد. در این پژوهش نیز از نظرات زنان روستایی بخش برزک جهت تعیین عوامل مؤثر بر توسعه طبیعت‌گردی استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد از دیدگاه آنان عوامل تأثیرگذار در ۵ دسته قابل تقسیم شدن هستند و بیشترین اثر را نیز عامل مشارکت مردم بومی و گردشگران دارند. زیرا مردم بومی شناخت کاملی از محل زندگی خود داشته و می‌توانند به‌عنوان راهنمای محلی با توره‌های طبیعت‌گردی همکاری کنند. همچنین سرمایه‌گذاری آن‌ها در منطقه جهت توسعه این شاخه از گردشگری بدلیل اهمیت و ارزشی که برای محل زندگی خود و توسعه آن قائل‌اند می‌تواند اثرگذار باشد. رعایت نظافت توسط گردشگران و احترام به آداب و فرهنگ جامعه میزبان از طرف گردشگران نیز مهم است. به‌طور کلی مشارکت و همکاری دوجانبه گردشگران و جامعه میزبان جهت توسعه طبیعت‌گردی در منطقه با اهمیت بوده است. در مورد رتبه‌بندی این متغیرها عوامل: جاذبه‌های منطقه (طبیعی، تاریخی، فرهنگی و...)، آب و هوای مطلوب، معرفی و استفاده از گیاهان دارویی منطقه و ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمد برای ساکنان بومی در دسته بسیار مهم قرار گرفته‌اند. سه عامل نخست به‌صورت بالقوه در منطقه وجود داشته و تنها بایستی جهت استفاده صحیح از آنها برنامه‌ریزی‌های لازم انجام گیرد. لذا می‌توان بیان کرد روستاهای منطقه توان توسعه را داشته و باید مورد توجه مسئولان محلی قرار گیرند. ساکنان بومی نیز در این زمینه می‌توانند با برخورد صحیح با گردشگران انگیزه آنان برای سفر به منطقه را افزایش دهند.

۱۰- منابع

- ایمنی قشلاق، سیاوش و فضیله خانی و سعید خانی، نقش گردشگری در توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی (نمونه موردی روستای کندوان و اسکندان شهرستان اسکو)، ۱۳۹۱، مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، سال دهم، شماره ۱۸.
- حجازی‌زاده، زهرا و محمدعلی رجائی‌ریزی و حسن حسینی‌امینی، "شناخت نقاط قوت و ضعف توسعه‌ی گردشگری روستایی، مطالعه‌ی موردی اکوموزه‌ی روستایی ابیانه - اصفهان" مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۵.
- خسروی‌پور، بهمن و ناهید فروشانی، مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی، ۱۳۹۰، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۲-۱۳۳.
- رضوانی، علی اصغر، جغرافیا و صنعت توریسم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
- رضوانی، محمدرضا و مهدی رمضانزاده‌لسبویی و مرتضی محمدپورجابری، تحلیل اثرات اقتصادی- اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (مورد: ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن)، فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۳۸۹، سال هشتم، شماره ۱۸.
- سروش‌مهر، هما و حامد رفیعی و خلیل کلاتری و حسین شعبانعلی فمی، بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه‌ی موردی: شهرستان همدان)، ۱۳۸۸، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱.
- سعیدی، عباس، مبانی جغرافیای روستایی، ۱۳۸۱، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
- شرکت مشاور شهر و خانه، مهندسان مشاور شهرساز، معمار، برنامه ریز، ۱۳۹۰، برنامه راهبردی، ساختاری، عملیاتی توسعه گردشگری شهرستان کاشان، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان.
- شرکت مشاور شهرتاش زنده رود، ۱۳۸۸، طرح جامع گردشگری برزک، سهامی خاص، مهندسان معمار، معمار منظر، طراح شهری، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان.
- صالحی فرد، محمد، گردشگری روستایی (مبانی برنامه‌ریزی و طرح‌های ساختاری)، ۱۳۹۰، انتشارات مرنديز، مشهد، چاپ اول.
- صفری، رباب و مقصود بیات، تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، ۱۳۹۲، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۲۸.
- غفاری، رامین و معصومه ترکی هرچگانی، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه‌ی موردی: روستاهای بخش فارسان)، ۱۳۹۰، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۳.
- غنیان، منصور و مجتبی قدیری معصوم و حسن مطیعی لنگرودی و کیومرث زرافشانی، تحلیل ابعاد گردشگری روستایی با رویکرد جنسیتی از دیدگاه جامعه‌میزبان (نمونه موردی: منطقه اورامان)، ۱۳۸۹، مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره هشتم، شماره ۳.
- غیاثوند، احمد، کاربرد آمار و نرم‌افزار SPSS در تحلیل داده‌ها، ۱۳۸۷، چاپ دوم، انتشارات غزال، تهران.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

-
- قدیری معصوم، مجتبی و علیرضا استعلاجی و معصومه پازکی، گردشگری پایدار روستایی و عشایری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
 - کرد، باقر و عبدالعزیز آبتین، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۲، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۳۲.
 - کلانتری، خلیل، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی، ۱۳۸۵، چاپ دوم، انتشارات شریف، تهران.
 - کرمی دهکردی، مهدی و علی اصغر میرک‌زاده و فرشته غیاثوندغیاثی، "تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری روستایی از دیدگاه روستاییان استان چهارمحال و بختیاری" مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۱۳۹۱، سال بیست و سوم، دوره چهل و پنجم، شماره ۱.
 - مهدوی، مسعود، مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، ۱۳۸۱، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم.
 - میرزا کاظمی، مجتبی و سمیه غلامعلی زاده و پیمان مکی آل آقا، "نقش گردشگری در توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کاهش فقر" اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت‌گردی ایران زمین، همدان، ۱۳۹۱.
 - میرک‌زاده، علی اصغر و وحید علی‌آبادی و علی شمس، واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، ۱۳۸۹، فصلنامه روستا و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۲.